

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

افسانه وحدت

۲۴ سپتمبر ۲۰۱۳

من هم یک افغانم!

"ما به هیچ عنوان راضی به ثبت نام اتباع خارجه (افغان) در این آموزشگاه نیستیم."

این جمله نژاد پرستانه را کجا می شود پیدا کرد؟ درست حدس زدید. بر سر در مدرسه‌ای در حکومت اسلامی ایران. حکومتی که متعلق به قرن‌ها پیش است. جایش در میان مردم قرن ۲۱ نیست. این شکل بیش‌زمانه تحقیر انسانها براساس ملیت و دین فقط از طالبان و حکومت اسلامی ایران برمی آید. حکومتی که حرمت و منزلت انسان را بیش از ۳ دهه است که زیر پا کرده و در پی نابودی همه ارزشهای خوب و انسانی بوده است. تبعیض جزو فرهنگ حکومت اسلامی است. اساس این حکومت بر تبعیض استوار است. تبعیض در قوانین، برنامه و سیاست حکومت اسلامی نهادینه است، شرعی و قانونی است و کودک، زن، فارس، کرد، ترک، افغان، عرب، مسیحی، یهودی، سنی، بی مذهب... همه را سرکوب می کند. چون از جنس خودش نیست. مفاهیمی مانند آزادی، برابری، حقوق انسانی و حق شهروندی نه در دین این موجودات نه در فکرشان و نه در قوانین شان وجود ندارد.

تبعیض علیه ادیان

در این حکومت فقط یک مذهب به رسمیت شناخته می شود. پیروان ادیان و مذاهب دیگر مورد تبعیض قرار می گیرند، تحقیر می شوند و به قتل می رسند. حتی مثلاً سنی‌ها اجازه داشتن مسجد در تهران را ندارند. بهائیان را راحت می کشند. صدها پیرو دین بهائی در زندانهای جمهوری اسلامی هستند و تعداد زیادی از آنها به قتل رسیده و اعدام شده اند. علی خامنه‌ای در فتوایی اعلام کرد که از نظر فقهی بهائیان "نجس و دشمن دین و ایمان" هستند و پرهیز از معاشرت با آنها ضروری است.

حسینعلی منتظری همه "طبقات و اصناف" نجف آباد را دعوت کرد و از آنها خواست تا اعلامیه‌ای بدهند... "مثلاً نانواها نوشتند ما به بهائی‌ها نان نمی فروشیم، راننده‌ها امضاء کردند که ما دیگر سوارشان نمی‌کنم... خلاصه کاری کردیم که نجف آباد تا اصفهان که کرایه ماشین یک تومان بود یک بهائی التماس می‌کرد پنجاه تومان بدهد و او را نمی‌بردند... تعدادی از علمای اصفهان هم با ما همراهی کردند... منتظری در توضیح المسایل گفته که "اگر کسی خدا، توحید و نبوت را انکار کند، کافر است و بنا بر مشهور و احتیاط واجب، نجس. و همینطور کسی که خاتم الانبیا محمد را انکار کند".

از سخنان و حکم‌های خمینی و دیگر دار و دسته حکومت می‌گذرم، برای همه آشناست.

تبعیض علیه قومیت‌ها

حکومت اسلامی بارها از طرف کمیته رفع تبعیض سازمان ملل به دلیل تبعیض علیه ملیت‌های کرد، عرب، آذربایجانی و بلوچ مورد نکوهش قرار گرفته است. این که زنان وابسته به این اقلیت‌ها مورد تبعیض دو چندان هستند. این کمیته می‌گوید مقامات جمهوری اسلامی به شیوه روزمره "سخنان نفرت آمیز و با مضامین تبعیض آمیز" ابراز می‌کنند و این اظهارات در رسانه های حکومتی نیز بازتاب یافته است.

تبعیض میان شهروندان

در حکومت اسلامی کودک ارزش کمتری از فرد بالغ دارد. شخص "دیوانه" و یا عقب مانده ذهنی ارزشی ندارد و روزانه مورد تبعیض قرار می‌گیرند و تحقیر می‌شوند. زن ارزش پائینی دارد و به دلیل جنسیتش در تمام طول حکومت اسلامی مورد آزار، تحقیر و بی حرمتی قرار گرفته است. "سید"، مقام بالاتری از غیر سید دارد. تبعیض حقوقی میان هواداران حکومت و دیگر شهروندان فراوان است. اگر شهروندان ایران بردگی ولایت فقیه را نپذیرند و معتقد به "مبنای جمهوری اسلامی" نباشند و این بی اعتقادی را علنی کنند، مرگ در انتظارشان است. قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ و ادامه آن تا به الان گواه همین سیاست است.

تبعیض میان آزاد و اسیر

تبعیض بین آزاد و برده و اسیر هم شرعی است و هم قانونی. بر سر برده و اسیر می‌توان هر بلایی آورد. شرعاً می‌شود به زن اسیر تجاوز کرد و این امر در زندانهای حکومت اسلامی بیش از ۳ دهه جریان داشته است. تبعیض میان مسلمان و "کافر" که دیگر بر همه روشن است. کافر حق زندگی ندارد.

تبعیض میان "حرامزاده" و "حلال زاده"

در حکومت اسلامی کودکی که خارج از ازدواج به دنیا بیاید و یا حاصل "صیغه" باشد کاملاً بی ارزش است. حکومت اسلامی اسم این کودک را حرامزاده و بی هویت می‌خواند، از هر حقوقی محروم می‌کند، حتی شناسنامه به او نمی‌دهد، بی حرمتش می‌کند و زندگی انسانی و سالمش را نابود می‌کند. رفتار شنیع و خشونت آمیز حکومت اسلامی با شهروندان افغان و عرب مقیم ایران، سابقه‌ای به اندازه عمر این حکومت دارد. محروم کردن فرزندان آنها از تحصیل و از یک زندگی با منزلت، تحقیر و آزار سیستماتیک این خانواده‌ها در طول حکومت اسلامی هر ساله گسترش بیشتری داشته است. آتش زدن خانه‌های گروهی از شهروندان افغان در شهر یزد نفرت از حکومت را بیشتر کرد و اعتراضات وسیعی، به ویژه در میان ایرانیان مهاجر در کشور های غربی برانگیخت. از دیگر سیاست‌های راسیستی و نژاد پرستانه حکومت ولایت فقیه این بود که با بیشرمی اعلام کردند که اتباع افغانستان، حتی با کارت اقامت قانونی، نمی‌توانند گواهینامه بگیرند و گواهی نامه افغانستان هم در ایران اعتبار ندارد. با هدفمند شدن یارانه ها، خانواده‌های با پیشینه افغان که درآمدشان به مراتب از کارگران ایرانی کمتر است، به کلی از لیست کمک‌های یارانه‌ای خارج شدند و با وضعیت بسیار دشوار و مشقت باری روبه رو شدند. سال گذشته در مراسم سیزده بدر، پولیس اصفهان از ورود شهروندان افغان به پارک صفا جلوگیری کرد. این حرکت موجب خشم و اعتراض عمومی و از طریق مدیای اجتماعی شد. بلافاصله ۱۵۷ نفر از استادان دانشگاه و فعالان سیاسی نامه‌ای اعتراضی علیه تبعیض و وحشیگری به شهروندان افغان انتشار دادند و تأکید کردند که این تبعیض‌ها و خشونت علیه افغانها ربطی به مردم ندارد و از جانب حکومت است.

تعدادی از جوانان هم در اعتراض به این عمل پولیس اسلامی، بر روی پلاکارد بر سینه خود نوشتند من هم افغانم. اینها فقط گوشه کوچکی از ستم علیه افغان هاست. موارد بسیار زیادی را می توان برشمرد.

این بار در این مورد مشخص رژیم می خواهد مردم "شهید پرور" فیروز آباد را با جنایاتش شریک کند. مردم فیروز آباد نه شهید پروراند نه با این وحشیگری ها و سیاست های ضد رژیم شریک هستند.

موارد متعدد تبعیض و نقض حقوق انسانی در حکومت اسلامی ایران لیست بسیار بلند بالائی دارد. در واقع هیچ کجای جامعه ایران نیست که زخمی از تبعیض و بی حرمتی این حکومت را بر تن نداشته باشد.

به طور کلی زن ستیزی، کودک آزاری، نژاد پرستی، زورگوئی، دروغگوئی، رشون خواری و اختلاس سلامتی و بهداشت عمومی و روانی جامعه را در معرض خطرات جدی قرار داده است و همه شهروندان اعم از فارس، کرد، ترک، افغان و غیره را مورد هجوم قرار می دهد.

همه حکومت های خود کامه و ضد مردمی، با اشکال مشابهی سعی دارند، بار کمبودها، گرانی، بیکاری، عدم امنیت که خود عامل اصلی آن هستند را به جایی، به کسی، به دشمن فرضی، به مخالفان و غیره نسبت دهند.

در این میان افرادی هم بازی می خورند و به دام این فریبکاری دغلبازانه می افتند. معمولاً افراد ناآگاهی که عرق ناسیونالیستی دارند، زودتر آلت دست می شوند.

اما در پشت همه این تحریکها، حکومت سازمان یافته و سیستماتیک مشغول تحریک احساسات مردم است. حمله به افغانها در یزد، کاملاً توسط نیرو های امنیتی شکل گرفت و هدایت شد.

در اینجا هم دست داشتن دم و دستگاه حکومتی در این اقدام کثیف و نژادپرستانه کاملاً آشکار است. باندورل نویسی و نصب کردن چنین توهینی، بدون هیچ گونه ممانعت، نشان می دهد که توطئه از کجا شکل می گیرد.

در حالی که اقتصاد کشور در حال فروپاشی است و رکود تورمی خرد کننده کل جامعه را به نابودی می کشاند، اینها ، خود را به عنوان مسببین اصلی از نظر ها پنهان می کنند.

همه مردم از هر ملیتی با هر مذهب و رنگ پوستی باید علیه بیعدالتی و بی حقوقی اعتراض کنند. ساکت نشستن در مقابل این همه هجوم علیه انسانیت، حرمت و منزلت انسانی را نباید پذیرفت. آنچه که بازدارنده و ترمز برای مبارزه مردم است، نمی تواند تا ابد دوام بیاورد. این را تاریخ بشر ثابت کرده است.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۸، مهر ماه [میزان] ۱۳۹۲